

جرم‌شناسی فساد مالی و جرائم اقتصادی ضرورت پیشگیری و مقابله همه جانبه

پیچیده‌تر شدن روزافزون زندگی اجتماعی ابعاد مواجهه جامعه با جرائم را نیز از گستردگی و پیچیدگی رو به تزایدی برخوردار کرده است؛ این گسترش و پیچیدگی موجب تنوع و تعدد ابعاد حمایتی و امنیتی زندگی انسان شده است، به گونه‌ای که اگر در قرون گذشته مهمترین بعد امنیت جوامع انسانی بعد امنیت نظامی یک کشور بوده و جامعه فقط خود را در برابر تهدیدات نظامی محافظت و تقویت می‌کرد، امروزه امنیت به تناسب مخاطراتی که جامعه با آن مواجه است، دارای ابعاد سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و انسانی، زیست محیطی، سایبری و اخلاقی است. این ابعاد امنیتی علاوه بر جنبه داخلی و خرد، جنبه خارجی و کلان نیز داشته و جوامع با تجربه مواجه شدن با تهدیدات در تمام حوزه‌های امنیتی یادشده به سیاستگذاری پیشگیرانه و مقابله‌ای با این تهدیدات پرداخته‌اند؛ تعابیری مانند جنگ سایبری، تهاجم فرهنگی و جنگ اقتصادی، ابعاد جدیدی از مخاطرات فراروی جوامع را نشان می‌دهند. یکی از مهمترین ابعاد این تهدیدات، جرائم علیه امنیت اقتصادی جامعه است. این بعد از امنیت به دلیل ویژگی‌های آن و تأثیری که بر سایر ابعاد امنیت جوامع می‌گذارد، به تدریج به عنوان یکی از مهمترین ابعاد سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه و مقابله‌ای جوامع نمود می‌یابد. از آنجا که ابعاد کمی و کیفی امنیت اقتصادی بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند، نمی‌توان این ابعاد را از یکدیگر تفکیک کرد. با این حال، سلامت اقتصادی جوامع که امکان حیات مطلوب نظام اقتصادی جامعه را به عنوان یک ارگانسیم میسر می‌کند به شدت مورد توجه سیاستگذاران جوامع است. از مهمترین جرائمی که کیفیت نظام مالی و اقتصادی جامعه را مخدوش کرده، سلامت نظام اقتصادی و مالی جامعه را زایل و بر کمیت فعالیت‌های اقتصادی نیز تأثیری آشکار دارد، وجود فساد مالی و وقوع جرائم اقتصادی است. فساد مالی و اقتصادی^۱ که مطابق تعاریف سازمان‌های بین‌المللی از جمله بانک جهانی به معنی سوء استفاده از قدرت عمومی برای تأمین منافع شخصی است هر چند در روابط بین اشخاص حقیقی و حقوق خصوصی نیز قابل تحقق است ولی از آنجا که بنیان اصلی آن سوء استفاده از قدرت و موقعیت عمومی برای منافع خصوصی است، در حیطه فعالیت‌های دولتی و سوء استفاده از امکانات دولتی مطرح است؛ بنابراین مقصود از فساد مالی و اقتصادی بهره‌گیری افراد برخوردار از موقعیت و قدرت عمومی و دارای نفوذ سیاسی و اجرایی برای منافع خصوصی است. منافع خصوصی در این تعریف، منافع متعلق به شخص سوء استفاده کننده، وابستگان و منصوبان وی و یا استفاده از این امکانات برای منافع حزب، گروه، تفکر سیاسی و هر جهتی غیر از منافع مشروع عمومی و خارج از چارچوب قانون و حدود اختیارات مأموران است. فساد اقتصادی و مالی که در تعریف امروزی آن از اواخر قرن بیستم میلادی و در قالب رانت‌خواری مطرح شده است، امروزه به یکی از گسترده‌ترین آسیب‌های نظام‌های اقتصادی کشورها تبدیل شده و در قالب جرائم سازمان یافته نمود یافته است. گستردگی این آسیب و ابتلاء بیشتر نظام‌های

اقتصادی کشورها به این آسیب و عمق تزلزلی که در ارکان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایجاد می‌کند موجب شده است در هشتمین کنگره بین‌المللی مبارزه با فساد که در سال ۱۹۹۷ در لیما پایتخت پرو تشکیل شد و نتیجه آن بیانیه لیما بود، از فساد مالی و اقتصادی به عنوان «سرطان اجتماعی» یاد شود.^۱ درگیرشدن بیشتر نظام‌های دولتی دنیا با مسئله فساد مالی و اقتصادی موجب شد که شورای اروپا دو کنوانسیون را با عناوین کنوانسیون قوانین مدنی مبارزه با فساد و کنوانسیون قوانین کیفری مبارزه با فساد به تصویب رسانده و در سال ۱۹۹۸ گروه کشورهای علیه فساد را ایجاد کند و کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکایی نیز کنوانسیون‌هایی را برای مبارزه با فساد مصوب کنند.^۲ همچنین سازمان ملل متحد برای پرداختن به این معضل جهانی در سال ۲۰۰۳ کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد^۳ را به تصویب رساند و کشورهای جهان را به مقابله با این معضل جهانی رهنمون شد.^۴ در همین راستا و در قوانین داخلی، مهمترین سند تخصصی تصویب شده، قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد مصوب ۱۳۹۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام است. مجموع اسناد بین‌المللی و قوانین ملی تصویب شده در زمینه مقابله با فساد نشان می‌دهد که پدیده فساد مالی و اقتصادی معضلی جهانی بوده و به طور تقریبی تمام نظام‌های اقتصادی دنیا را درگیر کرده است. آنچه بر شدت خطر و عمق آسیب فساد مالی و اقتصادی می‌افزاید، ویژگی‌های این گونه جرائم است؛ برخلاف سایر جرائم که در اصل نشان دهنده سطح نازل فرهنگی و شخصیتی مرتکبان است، جرائم مالی و اقتصادی توسط افرادی واقع می‌شود که از مناصب دولتی و موقعیت‌های ویژه اجتماعی برخوردارند. جرائم اقتصادی و فساد مالی از جمله جرائمی است که در زمره جرائم یقه سفیدان^۵ شمرده می‌شوند. موقعیت سیاسی و اجتماعی مرتکبان جرائم اقتصادی و مالی، موجب دشوارتر شدن کشف این جرائم می‌شود؛ این جرائم بیشتر به صورت سازمان یافته و شبکه‌ای واقع می‌شوند و به دلیل نفوذ و موقعیت شبکه در سیستم اداری هدف، موانع کشف آنها افزون‌تر است. ارتکاب مخفیانه جرائم اقتصادی و انطباق صوری آنها با قوانین و نیز دسترسی مرتکبان به سیستم اداری برای مخفی نگه‌داشتن این جرائم، از علل دشواری کشف آنهاست. ویژگی دیگر این جرائم ارتکاب وسیع آن است؛ از آنجا که این جرائم بیشتر توسط صاحبان قدرت و موقعیت و نفوذ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و با برخورداری از رانت اطلاعاتی و داشتن روابط نزدیک با تصمیم‌گیران حوزه اقتصادی و درآمدی دولت صورت می‌گیرد و به طور معمول زمینه‌های ارتکاب آن، زمینه‌های بنیانی اقتصادی دولت‌ها نسبت به جرائم عادی، از سطوح مبلغی هنگفتی برخوردار است. دریافت تسهیلات غیرمجاز دولتی، استنکاف از بازپرداخت تسهیلات، سوءاستفاده و واگذاری‌های دولتی و یا مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی، مبادرت به پولشویی، تخلف در امور گمرکی و مالیاتی، مجوزهای سوءاستفاده از اراضی دولتی، جرائم ارزی، اعطاء مجوزهای کلان صادرات و واردات، پولشویی و قاچاق و موارد مشابه از جمله زمینه‌های بروز فساد مالی و اقتصادی است. گستردگی و تعدد ابعاد خسارت‌بار این جرائم به حدی است که گاه تمامی ارکان دولت را با چالش مواجه می‌کند. به موازات نظام قانونی و سالم اقتصادی در جامعه، مفسدان اقتصادی و مجرمان مالی، به صورت سازمان یافته و منسجم و البته پنهان، جهان دیگری را برای تامین منافع نامشروع اقتصادی ایجاد و توسعه می‌دهند که می‌توان آن را فضای پنهان فعالیت اقتصادی نامشروع^۶ نامید.

1. The lima deceleration against corruption. (1997). lima, peru.

۲ . گزارش مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد. (۱۳۹۴). قوه قضاییه، سازمان بازرسی کل کشور.

۳ . کنوانسیون مریدا که در سال ۲۰۰۳ در مریدای مکزیک به تصویب رسید.

4. UNCAC, United nations convention against corruption

5. White collar crimes

6. Parallel world

فضایی که ممکن است بخشی از تلاش و هزینه کرد آن برای فرار از مجازات^۱ و اعمال نفوذ در دستگاه‌های قضایی صرف شود و از این رو حفظ سلامت دستگاه قضایی از لوازم مقابله مؤثر با فساد اقتصادی و جرائم مالی است. تزلزلی که فساد اقتصادی و جرائم مالی در ارکان مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی جامعه ایجاد می‌کند موجب توجه ویژه دولت‌ها به پیشگیری و مقابله با این گونه جرائم شده است. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۸ و یکسال پس از الحاق به کنوانسیون مریدا، وزارت دادگستری را به عنوان مرجع ملی کنوانسیون معرفی کرده و برای اجرایی کردن آن، شورایی را به نام کارگروه تخصصی مرجع ملی مبارزه با فساد تاسیس کرد. هرچند نمی‌توان آثار سوء جرائم اقتصادی و فساد مالی را در این مقال اندک به تفصیل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد ولی توجه پژوهشگران و اندیشمندان حوزه‌های جرم‌شناسی اقتصادی به آثار مخرب فساد اقتصادی و جرائم مالی، موجب تقویت انگیزه پژوهشگران، برای پژوهش در این زمینه می‌شود. از آنجا که فساد اقتصادی و جرائم مالی، در اصل در زمینه‌هایی صورت می‌گیرد که در محدوده حاکمیت دولت‌ها بوده و عصاره آنها سوء استفاده از موقعیت و قدرت عمومی در راستای منافع خصوصی است اساسی‌ترین آسیب‌ها را به حوزه‌های اصلی فعالیت دولت‌ها وارد می‌کند. بروز فساد اقتصادی در ساختارهای یک جامعه، مبنای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه را متزلزل می‌کند. فساد اقتصادی با اختلال در نقشی که دولت در تخصیص منابع ثبات اقتصادی و توزیع مناسب درآمد دارد، ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی دولت را در پی داشته و موجب می‌شود تا ترقی و پیشرفت دستگاه‌ها و نهادهای اقتصادی به جای مبتنی شدن بر تلاش و فعالیت علمی و نوآوری به روابط فاسد اقتصادی از جمله رانت و رشوه شده و بدین جهت کاهش سرمایه‌گذاری و عدم رشد اقتصادی را در پی داشته باشد. به دلیل همبستگی چرخه اقتصادی و اجتماعی در هر جامعه در صورت بروز عدم سلامت اقتصادی در جزئی از این چرخه، این آسیب همچون بیماری واگیردار به سایر اجزاء این چرخه سرایت کرده و به تدریج تمام سیستم را درگیر می‌کند. شیوع فساد اقتصادی، ناکارآمدی ابزارهای کنترلی را در رعایت مقررات نشان داده و موجب بروز نوعی آنومی در رفتار اقتصادی و اجتماعی می‌شود. دخیل بودن صاحبان قدرت و موقعیت تصمیم‌گیری در جرائم مالی و فساد اقتصادی موجب می‌شود که آنان با سیاست‌ها و رویکردهای مقابله با فساد مخالفت کنند و مانع موفقیت اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای با فساد شوند. مفسدان اقتصادی که از طرق نامشروع کسب منفعت برخوردارند با شفافیت در مقررات و فرایندها مخالفت کرده و مانع تحقق اقتصاد باز، رقابتی و شفاف می‌شوند. از دیگر آثار فساد مالی و اقتصادی می‌توان به آثار فرهنگی و اجتماعی آن اشاره کرد. فساد مالی و اقتصادی، ارزش‌ها، هنجارها، باورها و رفتارهای افراد جامعه را تحت تاثیر قرار داده روند جامعه‌پذیری سالم و مبتنی بر قانون را در افراد مخدوش می‌کند. در حالی که از لوازم اساسی توسعه پایدار در هر جامعه، توسعه انسانی و افزایش سرمایه اجتماعی جامعه است، وجود فساد اقتصادی زمینه مشارکت سالم مردم در برنامه‌های اقتصادی را کاهش داده و از این طریق به دلیل کاهش اعتماد عمومی موجب کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود. با وجود آنکه فساد اقتصادی و جرائم مالی در مفهوم نوین خود قدمتی دیرینه نداشته و در چند دهه اخیر دولت‌ها را درگیر کرده است. به دلیل شدت و عمق آسیب این جرائم، پژوهشگران حوزه‌های جرائم اقتصادی و نیز سازمان‌های بین‌المللی به پژوهش و ارائه دیدگاه‌های تبیینی در این زمینه پرداخته‌اند. هر چند باید اذعان داشت که موضوعات جرم‌شناسی پدیده‌هایی بومی هستند و باید در فضای شکل‌گیری و وقوع آنان تحلیل شوند، از این رو پرداختن به فساد اقتصادی و جرائم مالی در هر جامعه مستلزم انجام پژوهش‌های اختصاصی است اما در یک تحلیل

کلی می‌توان دو دسته عوامل عینی و ذهنی و یا عوامل پیدا و پنهان را در بروز مفاسد اقتصادی دخیل دانست؛ از جمله عوامل عینی موثر در ایجاد زمینه‌های وقوع فساد اقتصادی، مداخله گسترده دولت‌ها در نظام‌های اقتصادی، انحصاری بودن دسترسی دولت به امور ارزی، گمرکی، مالیاتی، موافقت‌های اصولی بازرگانی، صنایع و معادن کشور و چارچوب‌گذاری و اعمال قواعد مربوطه در این زمینه، نابرابری نظام عرضه و تقاضا و دخالت دولت در این زمینه، وجود محدودیت‌های تجاری، تخصیص بارانه‌های دولتی به فعالیت‌های اقتصادی، کنترل‌های قیمتی، نرخ‌های چندگانه ارز، انحصار اطلاعات و آمار اقتصادی به دستگاه‌های دولتی، اختیارهای گسترده مقامات دولتی، بروکراسی شدید اداری و فرایندهای پیچیده صدور مجوز فعالیت‌های کلان اقتصادی، مقرراتی که برخی اعتبارات و هزینه‌ها را فقط در اختیار مدیران قرار داده و از شمول محاسبات عمومی و دستگاه‌های نظارتی خارج می‌کند، اختیارات ویژه و خاص ماموران دولتی در انعقاد قراردادهای و نظارت ناکافی، ضعف سیستم مدیریتی و نظارت ناکافی و سوء استفاده از روندهای خصوصی‌سازی، را می‌توان نام برد. همچنین از عوامل ذهنی و پنهان موثر بر بروز و شیوع فساد اقتصادی می‌توان به سطوح دستمزدی ناچیز کارکنان دولت در مقابل مشاغل آزاد و بخش خصوصی، نامتناسب بودن نظام ضمانت اجراها در زمینه سوءاستفاده از موقعیت‌های شغلی و اداری، شفافیت نداشتن در فعالیت‌های سیاسی، عدم ایفاء نقش نظارتی و شفاف‌سازی توسط احزاب و نهادهای مدنی، بی‌توجهی به شایسته‌سالاری در تخصیص مناسب و مشاغل حساس دولتی، غلبه مصالح جناحی و باندی در انتصاب و نظارت بر مدیران منصوب شده قابل ذکر هستند. رویکرد جرم‌شناختی به پدیده فساد اقتصادی و جرائم مالی، مستلزم ترسیم پیشگیری و مقابله است و از این رو سازمان‌های بین‌المللی از جمله بانک جهانی نیز بخشی از جهت‌گیری خود را به ارائه راهکارهای پیشگیرانه اختصاص داده است. محور اصلی این راهکارها حرکت به سمت کاهش دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی و حرکت در جهت آزادی اقتصادی، ایجاد فضای باز و رقابتی در حوزه فعالیت‌های اقتصادی، کاهش و آسان‌سازی فرایندهای اقتصادی و تجاری، انحصارزدایی در زمینه امتیازات تجاری و صنعتی، شفافیت قوانین مالیاتی و گمرکی و مداخلات ساختاری دولت فقط در زمینه تثبیت اقتصاد کلان جامعه است. علاوه بر محورهای یادشده، تمرکززدایی در انتصاب مدیران، شایسته‌گزینی در مناصب حساس اقتصادی و تجاری، حرکت به سمت دولت و جامعه الکترونیکی، به گونه‌ای که نیاز به تماس و مداخله کارکنان دولت اندک شود، لزوم حضور پیشگیرانه و دخالت عناصر نظارتی قوای سه‌گانه در انعقاد قراردادهای عمده و کلان دولتی، ایجاد پلیس ویژه فساد اقتصادی و جرائم مالی، وجود قوه قضائیه توانمند، مستقل، پیگیر و قاطع در زمینه مقابله با جرائم اقتصادی و پیشگیری اجتماعی از طریق آموزش فرهنگ نظارت و مراقبت از اموال و امکانات عمومی و همچنین تبیین مفهوم و مصادیق فساد اقتصادی و جرائم مالی برای مردم و افزایش نظارت همگانی و رویکرد مشارکتی در پیشگیری از این جرائم را می‌توان از مهمترین راهکارهای پیشگیرانه برشمرد. برای آنکه قافله پیشگیری و مقابله با مفاسد اقتصادی در جامعه به سرمنزل مقصود برسد، لازم است که پژوهشگران به انجام پژوهش‌های بومی در زمینه علت‌شناسی این جرائم و راهکارهای پیشگیری و مقابله متناسب با آن بپردازند.

مدیرمسئول